

قطعهنامه کنگره بیست و یکم

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

در باره

وظایف ما در دوره پیش رو

کنگره بیست و یکم سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) اعلام می کند که سازمان ما فعالیت خود را در راستای همان خطوط اعلام شده در کنگره بیستم و کنگره های پیش از آن ادامه خواهد داد ، البته با تأکید بر چند نکته که توجه به آنها مخصوصاً در شرایط کنونی از اهمیت زیادی برخوردار است:

۱ - جنبش سوسیالیستی از آنجا که فقط با آگاهی طبقاتی و اقدامات توده ای کارگران و زحمتکشان می تواند پا بگیرد ، هرگز نباید به شکاف ها و تنش های میان "بالایی ها" بی تفاوت بماند. هیچ بحران عمومی سیاسی و هیچ موقعیت انقلابی معمولاً بدون شکاف و تنش در میان بالایی ها به حد کافی بلوغ پیدا نمی کند و بنابراین نمی تواند فضای لازم برای سرازیر شدن توده ای "پائینی ها" به عرضه اقدامات مستقل تاریخی را فراهم بیاورد. اما جنبش سوسیالیستی درست به دلیل این که فقط با آگاهی طبقاتی و اقدامات توده ای کارگران و زحمتکشان می تواند پا بگیرد ، بنابراین هرگز نباید به دنباله روی از "بالایی ها" و بازی در بساط آنان کشیده شود و گرنه نمی تواند به اقدامات مستقل توده ای - تاریخی دست بزند. این دو حد حیاتی سیاست سوسیالیستی را باید بشناسیم و با جسارت کافی و سر راست از آنها دفاع کنیم.

۲ - برای دست یابی به استراتژی سوسیالیستی مشخص و کارساز در ایران امروز ، باید تلاش کنیم به شناخت روشنی از شرایط و بسترهای مشخص پیکارهای سیاسی و طبقاتی دست یابیم. چنین تلاشی بدون توجه به بایدها و نبایدهایی چند به جایی نخواهد رسید:

یک - برخورد انتزاعی و کلیشه ای با مفاهیم و مسائل طبقاتی معمولاً گمراه کننده و سترون است و می تواند ما را به بعضی خویشاوندی های (گاهی ناخواسته) با اندیشه های ارتجاعی و با دشمنان طبقاتی مان بکشاند.

دو - در ایران امروز دفاع یا مخالفت انتزاعی خواه با مالکیت دولتی ، خواه با خصوصی سازی گمراه کننده و خطرناک است. زیرا در ایران امروز ، دولت خود را متصل به عرش الهی و (بنابراین) مالک الرقاب مردم قلمداد می کند و خصوصی سازی نیز حتماً به "خودمانی سازی" هست و نیست کشور به وسیله همان فرمانروایان متصل به آسمان می انجامد. در اینجا بحران اقتصادی راه حل اقتصادی ندارد و فقط از طریق اقدام و فشار مستقل و توده ای مردم می توان راهی برای بیرون آمدن از آن پیدا کرد.

سه - پیکار برای سوسیالیسم نه فقط با پیکار برای بهبود شرایط زندگی کارگران و زحمتکشان و تهیدستان ، بلکه همچنین با پیکار علیه نابرابری های گوناگون اجتماعی و فرهنگی (مانند نابرابری های جنسی ، ملی ، نژادی ، عقیدتی و مذهبی) و با مقابله با تخریب طبیعت و محیط زیست انسانی آغاز می شود ، زیرا سوسیالیسم فقط با ریشه کن شدن بهره کشی و نابرابری و زورگویی در میان انسان ها و شکوفایی آزادی فردی و همگانی آنان می تواند پا بگیرد. بنابراین هر نوع طرفداری از کارگران و تهیدستان ضرورتاً سوسیالیستی نیست. فراموش نباید کرد که فاشیست ها نیز غالباً خود را مدافع کارگران و تهیدستان جا می زنند ، همان طور که گاهی خود را دشمن امپریالیسم و مدافع ملت های زیر ستم نیز قلمداد می کنند. اما این شباهت های گول زننده نشانه خویشاوندی سوسیالیسم و فاشیسم نیست ، بلکه گواه رقابت و دشمنی آشتی ناپذیر آنهاست. پس بهتر است هشیار باشیم تا به خویشاوندی با "استکبار ستیزی" و "مستضعف نوازی" اسلام پناهان فرو نغلتیم.

چهار - در ایران اسلامی بی حقی مطلق مردم با قدرت مطلقه ولی فقیه پاسداری می شود و همه اهرم های کلیدی قدرت زیر کنترل مستقیم دستگاه ولایت جمع شده است. بنابراین راه رهایی از این جهنم بی حقی عمومی فقط با تمرکز نیروی مردم در مقابله با اصل ولایت فقیه می تواند گشوده شود. نادیده گرفتن این حقیقت ، با هر نیت و منطقی که صورت بگیرد ، جز سوزاندن فرصت ها و کمک به طولانی تر شدن بی حقی مردم نتیجه دیگری ندارد و نخواهد داشت.

۳ - در ایران امروز ، مشکلات و مصیبت های همه کارگران و زحمتکشان ما علل کلان اقتصادی دارند و فقط از طریق پیکارهای طبقاتی و سراسری قابل حل هستند. بنابراین ما ناگزیریم حتی برای حفظ و کارآمدتر کردن تشکل های مستقل موجود ، روی تقویت ارتباطات میان آنها و تلاش برای پایه ریزی تشکل های سراسری متمرکز شویم. مسأله این است که جنبش کارگری ایران متهاست وارد مرحله ای شده که پیشروی آن بدون پیکار برای ایجاد تشکل های مستقل و سراسری ، دیگر امکان ناپذیر است.

۴ - در شرایطی که بیکاری و حاشیه نشینی توده ای ، بخش بسیار وسیعی از کارگران و زحمتکشان را به زیر خط فقر می کشاند و آنها را به پراکندگی و در ماندگی محکوم می کند ، تنها مبارزه برای تأمین اجتماعی فراگیر است که می تواند با پیش کشیدن یک خواست حیاتی مشترک ، آنها را به هم سرنوشتی طبقاتی و منافع مشترک شان آگاه سازد و در سمت واحدی به حرکت درآورد. طرح این خواست ، مخصوصاً در شرایط کنونی که جنگ جناحی در درون رژیم شدت یافته و دستگاه ولایت و دار و دسته های تحت امر آن می کوشند خود را مدافع "مستضعفان" و "کوخ نشینان" جا بزنند ، می تواند هم پژواک گسترده تری داشته باشد و هم مچ عوام فریبان و مفتخوران ولایی را باز کند. بعلاوه فراموش نباید کرد مقابله رژیم با این خواست قاعدتاً نمی تواند از حد معینی خشن تر باشد. زیرا تأمین اجتماعی همگانی به عنوان یک حق در اصل بیست و نهم قانون اساسی خود رژیم به رسمیت شناخته شده است. البته تردیدی نباید داشت که دست یابی به چنین حقی در کائنات جمهوری اسلامی از محالات است ، اما آگاهی گسترده زحمتکشان به این حق ، خود می تواند نیروی طبقاتی بزرگی را به میدان بیاورد و آنها را با افق های تاریخی گسترده تری آشنا سازد.